





وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی
پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات عربی

بازتاب اساطیر کهن در ادب معاصر عربی (خلیل مطران، آدونیس، عبد الوهاب بیاتی،

خلیل حاوی)

استاد راهنما

دکتر حمید ولیزاده

استاد مشاور

دکتر مهین حاجی زاده

پژوهشگر

سرور یارانی

مهر ۱۳۹۲

تبریز/ایران

تقدیم

سپاس گذار کسانی ام که سر آغاز تولدم هستند
از یکی زاده می شوم و از دیگری جاودانه
استادی که سپیدی را بر تخته سیاه زندگیم نگاشت
مادری که تار مویی از او به پای من سیاه نماند.

تقدیم به:

پدرم به استواری کوه، مادرم به زلالی چشمه
به پاس تعبیر عظیم و انسانیشان از کلمه ایثار و از خود گذشتگی
به پاس قلبهای بزرگشان که فریادرس است
به پاس عاطفه سرشار و گرمای امید بخش وجودشان
به پاس محبتهای بی دریغشان که هرگز فروکش نمی کند

تقدیم به:

همسرم، تمام هستیم، پناه خستگیم و امید بودنم
به پاس قدردانی از قلبی آکنده از عشق و معرفت که محیطی سرشار
از سلامت و امنیت و آرامش و آسایش را برایم فراهم آورده است
او که سایه مهربانیش سایه سار زندگیم می باشد
او که اسوه صبر و تحمل بوده و مشکلات مسیر را برایم تسهیل نموده است.

تقدیر و تشکر

سپاس خدایی را که سخنوران، در ستودن او بمانند و شمارندگان، شمردن نعمتهای او ندانند و کوشندگان، حق او را گزاردن نتوانند. سلام و درود بر محمد (ص) و خاندان پاک او، هم آنان که وجودمان وامدار وجودشان است.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه او با زبان قاصر و دست ناتوان، چیزی بنگارم، آنان که لحظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگیم مدیون حضور سبز آنهاست.

از آنجائیکه تجلیل از معلم سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانتهایی را که به دستش سپرده اند تضمین؛ برحسب وظیفه و از باب ((من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق)) از استاد با کمالات و شایسته؛ جناب آقای دکتر حمید ولیزاده که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند؛ و نیز از استاد صبور و شکیبا سرکار خانم دکتر مهین حاجی زاده که زحمت مشاوره این رساله را به عهده گرفتند و همچنین از استاد فرزانه و دلسوز جناب آقای دکتر علی قهرمانی که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم، باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید و در پایان جا دارد از همه اساتید بزرگوام چه در دوره کارشناسی در دانشگاه علامه طباطبایی و چه در دوره کارشناسی ارشد که با نکته های دلاویز و گفته های بلندشان، صحیفه های سخن را علم پرور نمودند و همواره راهنما و راهگشای این جانب در تمام مراحل تحصیل بوده اند در کمال امتنان و افتخار تقدیر و تشکر نموده و در برابر آن همه لطف و مکرمت سجده نمایم و قدردان همه تلاش هایشان باشم، امید است بتوانم ذره ای از آن منتهای بزرگیشان را جبران نمایم و برآستان علم آنان بوسه زنم.

سرور یارانی

مهرماه ۱۳۹۲

تبریز، ایران

چکیده

از بارزترین پدیده های هنری در تجربه های شعری جدید استفاده فراوان از رمز و اسطوره به عنوان یک ابزار بیانی است. بازتاب اساطیر در شعر، زیباترین و هنرمندانه ترین کاربرد اسطوره پرداز می است. با بازتاب اسطوره ها، جهان اساطیری جولان گاه تخیل و آفرینش شاعر و نویسنده ی اسطوره پرداز می شود تا گذشته و حال را پیوند دهد و از این راه دریافتها و استنباط های اجتماعی و سیاسی را به خواننده نشان دهد و بسیاری از نیازهای فرهنگی و هنری انسان امروز را برطرف کند. شاعران معاصر عرب نیز در اشعار خود اسطوره های عربی و حتی اسطوره های دیگر ملل قدیم را به کار برده و با توجه به محیط و شرایط، افکار و اندیشه های خود را با استفاده از این اسطوره ها ابراز داشته اند. در این پایان نامه برآنیم تا ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی اسطوره و آشنایی با بعضی از معروف ترین اسطوره های یونان، بین النهرین، روم باستان و مصر به جایگاه و بازتاب اساطیر کهن و شبه اساطیر در شعر معاصر عرب پرداخته و بارزترین آنها را در شعر چهار تن از شاعران نامدار اسطوره پرداز معاصر عرب (ادونیس - عبد الوهاب البیاتی - خلیل الحاوی - خلیل مطران بک) مورد بررسی قرار دهیم تا علل کاربرد اسطوره و بازتاب آن را در شعر شاعران معاصر عرب بهتر بشناسیم.

کلید واژه ها: اسطوره، عربی معاصر، خلیل مطران، ادونیس، عبد الوهاب بیاتی، خلیل حاوی

کلیات تحقیق

بیان مسئله و سوالات تحقیق

راه یافتن اسطوره در دنیای ادبیات عرب را می‌توان یکی از مهم‌ترین رویدادها و تحولات در ادبیات معاصر عرب دانست. قدیمی‌ترین شعری که کلمه‌ی اسطوره به معنای لغوی در آن بکار رفته است شعری است از شاعری مخضرم بنام عبد الله ابن الزبیری (ورزی، ۱۳۸۹: ۹): الهی قصینا عن مجد الاساطیر (خداوندا ما از مجد و عظمت اساطیر دور شدیم).

در میان عربها بین اسطوره و افسانه‌های جن و پری وجوه مشترک بسیاری هست به خصوص اینکه این دو انتقال دهنده‌ی مجموع تجارب بشر و به ویژه تجارب جوامعی می‌باشند که حفظ گنجینه‌های خرد گذشتگان و انتقال آنها را به نسلهای آینده در نظر داشته‌اند. (سجاد پور، ۲۰۱۱: ۱۲۳) بازترین جلوه‌های وابستگی به سنت و اسطوره در شعر معاصر عرب، مرده ریگ اساطیری و ملی است که میراث اساطیری از این میان به دلایل و عواملی چند سخت در ادبیات معاصر عرب اهمیت یافته است. مهمترین عامل تاثیرپذیری تقلید از شعر مغرب زمین این است که از دیر زمانی اسطوره در آنجا کانون توجه بوده است به ویژه پس از وقوف بر کتاب ارزنده‌ی جیمز فریزر «شاخه‌ی زرین» چه به طور مستقیم و چه از رهگذر ترجمه‌ی فصلی از آن به وسیله‌ی جبرا ابراهیم جبرا و نیز مطالعات روان شناختی فروید و یونگ در باب نقش اسطوره در ناخودآگاه انسان و کارکردهای دیگر اسطوره مانند برقرار ساختن پیوند میان انسان و طبیعت و حرکت فصول در پدید آوردن تصویری روشن از روند تحول زندگی بشر و پیوند دادن رویاهای ضمیر ناخودآگاه با فعالیت‌های ضمیر خودآگاه و یگانه سازی تجربه‌های فردی و تجربه‌های جمعی و رها کردن شعر از بار غنائی صرف و وارد کردن عناصر دیگر در آن. (عباس، ۱۹۹۲: ۲) این عوامل و علل دیگر سبب شد تا شاعران معاصر به جستجوی مرده ریگ اساطیر پرداخته و باعث تنوع و گستردگی اساطیر در شعر معاصر شوند.

خلیل مطران بک؛ دو قصیده ارزشمند و با صلابت و شکوه را، به نامهای «مقتل بزرجمهر» و «ابنة بزرجمهر» پیرامون دو شخصیت مهم و تاریخی ایران باستان که هرکدام اسطوره مقاومت و دلاوری میباشند سروده است.

علی احمد سعید(ادونیس)؛ به اسطوره‌های مختلفی از جمله ققنوس و اسطوره جهانگرد سرزمینهای دور دست مانند اولیس، اسطوره ی انتظار و رهایی مانند ایکاروس میپردازد؛ به عنوان نمونه در بیت زیر: مَرَّهْنَا

إيکار، خیمٌ تحتَ الورقِ الشاحِبِ شمَّ النارِ، فی غُرْفِ الخضره فی البراعِمِ الوديعه و هَزَّ، هَزَّ الجذعَ واستجاروَ التفَّ
کالوشيعه ثمَّ انشَى و طارَ

-عبد الوهاب بیاتی که اسطوره انتظار ورهایی و رستاخیز و تولدرا توصیف میکند، که در شعر او پنه
لویی معادل این انسان مشتاق آزادی و اولیس معادل آزادی غایب است و خود را اورفیدیس یا یوریدیس در
جستجوی عائشه میداند:

عَدَنَ إِلَى جَحِيمِ نَيْسَابُورَ لِقَاعِهَا الْمَهْجُورِ لِلْعَالَمِ السَّقْلَى لِلْبَيْتِ الْقَدِيمِ الْمَوْحِشِ الْمَقْرُورِ أُبْحَثُ مِنْ عَائِشَةٍ فِي ذَلِكَ
السَّرْدَابِ)

خلیل حاوی نیز اسطوره جهانگردان سرزمین های دور دست را بکار میبرد و در قصیده ی المجوس فی
اوروبا میگوید: سَاقْنَا النِّجْمَ الْمَغَامِرَ عَبْرَ بَارِيسَ، بَلُونَا صُومَعَاتِ الْفِكْرِ عَفْنَا الْفِكْرَ فِي عِيدِ الْمَسَاخِرِ وَ بَرُو مَا
عَظُمَتِ النِّجْمَ؛ که در اینجا مجوس را معادل شاعر و تمام جویندگان یقین میداند.

از جمله نمادهایی که میتوان در شعر شاعران معاصر پیدا کرد، رهبران هستند مانند شخصیت‌های رهبری
تاریخی اسطوره ای، بلقیس، ملکه ی صبا، اسکندر کبیر، نرون و آشور بانپیل؛ و نمادهای رهبری عربی _
اسلامی که به شیوه های مختلف بکار گرفته شده مانند حجاج که نزد ادونیس نماد چیرگی و قدرت است یا
ابیک که خلیل حاوی وی را جلاد شهوت ران قلمداد می کند. (عرفات الضاوی، ۱۳۸۴: ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۶۸، ۲۷۰)

با اندکی تأمل و تعمق در شعر معاصر عربی این نکته روشن میشود که بسیاری از شعرا شخصیت‌های متنوع
دینی را به عنوان اسطوره به شخصیت‌های ادبی و تاریخی تبدیل کرده اند مثل عیسی، نوح، حسین ابن علی،
عمر خیام، متنبی، عنتره، شهرزاد، سندباد و غیره. (طهماسبی، ۲۰۰۵: ۷۲)

سوالات

۱- اسطوره چیست؟

۲- شکل گیری اساطیر چگونه بوده است؟

۳- آیا اسطوره‌های کهن در ادبیات معاصر عربی بازتابی داشته است؟

۴- تفاوت اسطوره‌های ملل مختلف چیست؟

فرضیه ها

- ۱- اسطوره های کهن در شعر شاعران معاصر عربی تأثیر داشته است.
- ۲- اسطوره های ملل مختلف با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند.
- ۳- اسطوره در بیداری افکار و اندیشه ها نقش به سزایی دارد.

روش انجام تحقیق

در تدوین پایان نامه‌ی حاضر، از شیوه‌ی کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا استفاده می‌شود. بدین ترتیب که ابتدا، کتاب‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه قرار گرفته و مطالب مرتبط با موضوع استخراج و فیش برداری شده، سپس به بازتاب اسطوره‌های ایرانی در شعر معاصر عرب پرداخته می‌شود.

روش گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات در این پایان نامه به صورت روش‌های تحقیقی فیش برداری و کتابخانه‌ای می‌باشد.

پیشینه نظری و تجربی

از آن جا که اسطوره در دوره‌ی معاصر، حائز اهمیت بسیار است، شکی نیست که در این زمینه آثار مختلفی به نگارش در آمده باشد مانند: بازتاب اسطوره‌های ایران باستان در ادب عربی معاصر توسط دکتر ناصر محسنی نیا در مقاله‌ای به اجمال بررسی شده است و دکتر محمد جعفر ورزی نیز در مقاله‌ای با عنوان اسطوره در شعر معاصر عرب به بررسی اجمالی اسطوره‌های اشعار شاعران معاصر عربی پرداخته‌اند؛ البته در هیچ کدام به طور مفصل راجع به این موضوع سخن نرفته است و تاکنون رساله یا پایان نامه‌ای خاص به شرح و بسط این موضوع نپرداخته است.

اهداف پژوهش

- نشان دادن اهمیت اسطوره در ادبیات عربی و فارسی.
- ارائه ابعادی بازتاب اسطوره فارسی در شعر شاعران معاصر عرب.
- تبیین اسطوره و نقش آن در بیداری افکار و اندیشه‌ها از خلال متون ادبی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
	بخش اول: اسطوره (۴ - ۳۲)
	فصل اول: تعریف اسطوره
۴	-اسطوره چیست؟.....
	فصل دوم: اسطوره در شعر عربی
۱۰	-انواع اساطیر کهن.....
۱۰	-اسطوره های روم باستان.....
۱۰	خدایان بین النهرین.....
۱۰	ایشتر یا عشتار.....
۱۱	سبزیف.....
۱۱	ژئوس.....
۱۱	هرا.....
۱۱	آرتمیس.....
۱۲	اورفه.....
۱۲	انواع اساطیر.....

۱۲	اساطیر ریشه و بن
۱۳	اساطیر رستاخیزی
۱۴	اساطیر نجات بخشی
۱۴	اساطیر پیامبران و قدیسان
۱۵	اساطیر بخت و تقدیر
۱۵	اساطیر باززایی و نوشدگی
۱۶	اساطیر یاد و فراموشی
۱۶	اساطیر پهلوانان
۱۶	اساطیر جانوران و گیاهان
۱۷	اساطیر عصر نوین
۱۸	اسطوره در شعر معاصر عربی

بخش دوم: بازتاب اساطیر کهن در شعر معاصر عربی (۳۳ - ۱۳۷)

فصل اول: بازتاب اساطیر کهن در شعر ادونیس

۳۶	-زندگی و آثار ادونیس
۴۱	-اسطوره در شعر ادونیس
۴۱	اسطوره جهانگرد سرزمین های دوردست
۴۳	اسطوره مرگ و جاودانگی و استمرار رنج
۴۴	اسطوره انتظار و رهایی

- ققنوس..... ۴۵
- گرایش به ققنوس..... ۵۶
- بکار گیری عملکرد..... ۵۷
- بکار گیری اسم علم..... ۶۷

فصل دوم: بازتاب اساطیر کهن در شعر عبد الوهاب البیاتی

- زندگی و آثار عبدالوهاب البیاتی..... ۷۳
- اسطوره در شعر عبدالوهاب البیاتی..... ۸۰
- اسطوره خیزش و تولد..... ۹۲
- اسطوره فداکاری و ایثار..... ۹۴
- اسطوره مرگ و جاودانگی..... ۹۷
- اسطوره انتظار و رهایی..... ۱۰۰

فصل سوم: بازتاب اساطیر کهن در شعر خلیل حاوی

- زندگی و آثار خلیل حاوی..... ۱۰۲
- اسطوره در شعر خلیل حاوی..... ۱۰۵
- شاعران تموزی..... ۱۲۵

فصل چهارم: بازتاب اساطیر کهن در شعر خلیل مطران بک

- زندگی و آثار خلیل مطران بک..... ۱۲۶

- ۱۳۰.....-اسطوره در شعر خلیل مطران بک
- ۱۳۸.....خاتمه و نتیجه گیری
- ۱۴۰.....فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه ای نمادین درباره ی ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می بندد؛ اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده و به گونه ای نمادین، تخیلی و وهم انگیز می گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد، یا از میان خواهد رفت و در نهایت اسطوره به شیوه ای تمثیلی کاوشگر هستی است به عبارتی، اسطوره بینشی شهودی است. بینش جوامع ابتدایی و تفسیر آنها از جهان به گونه ای اسطوره جلوه گر می شده است و هر چند در ردیف حماسه، افسانه و قصه های پریان قرار می گیرد، اما با آنها متفاوت است. اسطوره ها به گونه ی آیینها متبلور می شوند. باورهای دینی انسان نخستین از اسطوره ها آغاز می گردد و بعدها در زمانهای متأخرتر، به گونه ی ادیان شکل می گیرد. پس اسطوره به یک عبارت، دین و دانش انسان نخستین و داشته های معنوی اوست؛ دانشی که بیشتر جنبه ی شهودی و نمادین دارد و از قوانین علمی ادوار بعد به دور است موجودات اساطیری طبیعی نیستند؛ ملهم از طبیعتند، اما فرا طبیعی اند همچون ایزد باد، ایزد طوفان، ایزد خورشید، ماه و غیره. کیمورث توصیف شده در اوستا که در روایات اساطیری نخستین انسان به شمار می رود، پیکری هیولایی و تناور دارد و ظاهرش چندان به هیأت آدمی عادی نیست؛ در حالیکه شخصیت های حماسی واقعاً انسانند، اما انسانهای برجسته ای هستند همچون پهلوانان و قهرمانان. در افسانه ها نیز شخصیت های انسانی شگفت آور و گاه جانوران خیالی و وهم انگیز به چشم می خورد. (بهار، ۱۳۷۳: ۱۹۶)

اسطوره از کهن ترین ایام در زندگی انسان وجود داشت و کارکردی اجتماعی ایفا می کرد تا سده ای پیش، اسطوره ها را مانند افسانه های دروغین و جعلی می پنداشتند و اهمیتی بسزا برای آن قائل نبودند. از سده ی ۱۹ میلادی اسطوره را کمی جدی تلقی کردند و آن را خیال بافی شاعرانه یا ادبیات داستانی به شمار آوردند، در حالیکه انسانهای ابتدایی میان اسطوره و افسانه تفاوت و مرز قائل بودند آنان اسطوره را سرگذشتی حقیقی و افسانه را غیر حقیقی می پنداشتند. اسطوره تفسیر انسان نخستین از جهان و طبیعت بود و بیشتر جنبه ی نظری (تئوریک) تفکر انسان باستانی به شمار می رفت؛ در حالیکه آیینها و شعائر، جنبه ی علمی آن بود.

مهمترین کارکرد اسطوره عبارت است از کشف و آفتابی کردن سرمشق‌های نمونه وار همه ی آیین‌ها و فعالیت‌های معنی‌دار آدمی، از تغذیه گرفته تا کار و تربیت، هنر و فرزاندگی و فایده‌ی دیگر اسطوره بهره‌گیری از آن در ادبیات و هنر است. (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۵-۱۴)

کارکرد اسطوره در شعر عربی به آغازین سال‌های قرن بیست بر می‌گردد، به گونه‌ای که جبران خلیل جبران در کتابش با عنوان (دمعة و ابتسامة) از اسطوره ادونیس و عشتار استفاده کرده است. نسیب عریضه در قصیده‌ی (نار الارم) در مورد اسطوره‌ی ارم ذات‌العماد شعر سرود. همچنین عقاد و ابوشادی و دیگران در قصایدشان از اسطوره استفاده کردند. اما به کارگیری شخصیت‌های قدیمی و سنتی از طرف این شاعران، ظاهری و لفظی بود و جنبه‌ی دراماتیک و الهامی و پیام‌دار نداشت و از خلال این شخصیت‌ها به مشکلات انسان معاصر توجه نمی‌کرد. اما به کارگیری سنت یا میراث به عنوان یک سبک فنی و مستقل در چارچوب دراماتیک به اواسط قرن بیستم بر می‌گردد این کار توسط شاعران بزرگی چون ادونیس، خلیل حاوی، بدر شاکر السیاب، عبدالوهاب البیاتی، أمل دنقل و صلاح عبدالصبور صورت گرفت. انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی در سرزمین‌های عربی از عوامل اصلی میل شاعران به جهان اسطوره است. زبان و ادبیات عربی، به فضل دین مبین اسلام، به ویژه قرآن حکیم یکی از زبان‌های پر دامنه و بزرگ دنیا شده است. این زبان از ادبیاتی دیرینه و بسیار وسیع برخوردار است؛ ادوار مختلف و گوناگونی را طی کرده، فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر نهاده، تا به دوره‌ی معاصر خود یعنی همان دوره‌ای که مد نظر ماست، پا گذاشته است. ادب عربی در دوره‌ی معاصر از بزرگان بشمارای در شعر و نثر سود برده و می‌برد. شعر برآمده از احساسات لطیف شاعر است که به صورت واژه ظهور می‌یابد. عواطف و احساسات شاعر با توجه به موقعیت و شرایط بیرونی تحدید می‌گردد آنگاه که شرایط اظهار احساسات دشوار باشد ناگزیر زبان شعر، نمادین می‌گردد. شاعران معاصر عرب گاه خود را در شرایط دشوار سیاسی - اجتماعی و گاه در فضایی می‌یافتند که مخاطبان آنان از درک مرادشان عاجز بودند و بدین رو به رمزگویی روی می‌آوردند. شاعران معاصر با درک عمیق خود به تجزیه و تحلیل وقایع و حوادث موجود در جامعه می‌پردازند و با ریشه‌یابی فاجعه‌ها و مصیبت‌هایی که گریبانگیر قشر ستم‌دیده‌ی جامعه گردیده است. برای براندازی بنیان ظلم و

زور، با سلاح سخن وارد عرصه ی پیکار می گردند. آنان با توجه به اختناق حاکم بر جامعه و فرمان روایی استبداد که آزادی بیان را از مردم سلب می کند، برای بیان مقصود خود به رمز و نماد و ... پناه می برند تا مگر گوش شنوایی صدایشان را بشنود و جوانمردی به خود تکانی دهد یا علمی در دست گیرد.

هرچند دیرینگی اساطیر باستانی با پیدایش و تکامل زبان انسان همزمان و حتی کهن تر از آن است اما اسطوره شناسی به گونه ی دانشی سنجیده و فرهیخته، تنها عمری دویست ساله دارد؛ یعنی از آغاز سده ی ۱۸ میلادی تا کنون، انسان درباره ی باورهای نمادین چندین هزار ساله ی خویش، به پژوهشی علمی و فرهنگستانی دست یازیده است. با این حال، پیشینه ی پژوهش های اسطوره شناسی حدود چند دهه بیش نیست و این زمان در سنجش با درازنایی اساطیر باستانی، زمانی بس ناچیز است. (همان)

در این رهگذر، از نخستین سالهای دهه ی حاضر، ابعاد اسطوره شناسی در ادب معاصر عربی گسترده تر شد و ترجمه های ارزشمند، چه درباره ی اساطیر ملل مختلف و چه در تجزیه و تحلیل دیدگاه های گوناگون اسطوره شناسی، از جمله تحلیل روان کاوانه آثار ادبی، هنری و نقد اسطوره ای در ادبیات عربی انتشار یافته است پایان نامه حاضر در پی همین شور و نیاز خوانندگان شعر و ادبیات عربی و علاقه مند به کاوش در اسطوره شناسی و شناخت اسطوره های باستانی فراهم آمده است. نگارنده در این گفتار سعی نموده که با بیانی نسبتاً ساده و در عین حال جامع ابعاد اسطوره را روشن کند و دیدگاه های گوناگون اسطوره شناسی را بررسی نماید و نیز انواع اساطیر را با توجه به اشعار چهار تن از شاعران اسطوره پرداز معاصر عرب (ادونیس - عبدالوهاب البیاتی - خلیل حاوی - خلیل مطران) به خوانندگان شعر و ادب عربی معرفی نماید. امید است نیاز خوانندگان کاوشگر، به ویژه نیاز هنرمندان و هنر دوستان را در زمینه اسطوره و اسطوره شناسی و به ویژه شناخت اسطوره های ادب عربی تاحدودی برآورد.

سرور یارانی

مهرماه ۱۳۹۲ هـ.ش

تبریز، ایران

بخش اول: اسطوره

فصل اول: تعریف اسطوره

فصل دوم: اسطوره در شعر عربی

فصل اول: تعریف اسطوره

- اسطوره چیست؟

- اسطوره چیست؟

اسطوره (mythe) که مورد نظر ماست هنوز هم مفهوم دقیقی ندارد و پژوهشگران درباره منشأ، ماهیت، کاربرد و دلایل وجودی اسطوره، همچنان نظرات مختلفی ارائه می‌کنند با این حال در این مورد اتفاق نظر دارند که اسطوره نوباوگی عقل بشر است و به تفسیر پدیده‌های طبیعی مانند رعد و برق، باران، توفان، سرسبزی و مرگ می‌پردازد البته این تفسیرها آمیخته به خیال است که نسل به نسل منتقل شده و دست روزگار در آن تصرف کرده و به عنوان حقایق علمی جلوه داده است. در اسطوره داستان آفرینش، اخلاق و عادات، آیین‌ها و ماجراجویی‌ها جامه کارهای خارق‌العاده و معجزه بر تن دارد و واقعیت با خیال و نیروهای ماورایی که انسان نخستین نیز به آن اعتقاد یافته درآمیخته است. اسطوره نزد تمام ملل به یک شکل است و در این اصل اشتراک دارد که منشأ و اساس آن معلوم نیست و برای پیدایش و پدید آورنده‌اش نمی‌توان تاریخی معین کرد، همچنین اسطوره‌ها در گستردگی افق و عمق اندیشه و سادگی بیان مشترکند و یکی از ویژگی‌های مثبت آن، جهانی بودن و خارج از زمان و مکان بودن است. در همین جا باید افزود هرچند که امروزه اسطوره دیگر قداست خود را از دست داده و به عنوان یک عقیده پذیرفتنی نیست اما همچنان به عنوان یک فرهنگ و موضوعی است برای پژوهش کسانی که بر وحدت فکر انسان قدیم و تشابه نشأت و پیدایش آن تأکید می‌ورزند، پیدایش اسطوره به یک زمان خاص محدود نمی‌شود و در برابر اسطوره‌های قدیمی می‌توان اساطیر معاصر نیز پدید آورد کافی است که یک فرد در ذهن گروهی جای بگیرد و در تصور جمعی وارد شود تا به عنوان یک الگوی اسطوره‌ای تلقی گردد، در این میان شخصیت اصلی به سایه می‌رود و شخصیت اسطوره‌ای جای آن را می‌گیرد. (اسماعیل پور، ۱۳۷۱: ۱۵)

گیلگمش، ناپلئون، چه‌گوارا و غیره در این راستا قرار دارند، تصویر چنین اشخاصی از آن پس دیگر به شکلی است که در وجدان جمعی نشسته، نه در حقیقتی تاریخی، بر این اساس اسطوره یک رؤیای جمعی است و با ادبیات ارتباط پیدا می‌کند. برخی از ادیبان معاصر به ساختن اسطوره‌های امروزی دست زده‌اند و آنرا متناسب با تجربه‌های شعری خود درآورده‌اند، آنان در درون خود به کاوش پرداخته و با سرکشی در قلمرو پسندها و رؤیایها به اسطوره‌های تازه دست یافته‌اند، برخی نیز این کاوش را در خارج از ذهن خود انجام داده‌اند.

(ورزی، ۱۳۸۹: ۱۰) در باور عامه مردم اسطوره با افسانه، قصه، چیزهای خیالی و غیرواقعی، داستان‌های کهن حماسی، داستان‌های عامیانه و تاریخ و دین پیوند خورده است.

اسطوره با جهان مینوی آسمانی، فراسوی جهان مادی، غیر ملموس و آن جهانی در پیوند است. اسطوره نقل کننده سرگذشتگی قدسی و مینوی است، راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت هرچیز رخ داده است. به بیانی دیگر اسطوره همیشه متضمن روایت یک خلقت است یعنی به ما می‌گوید چگونه چیزی پدید آمده، موجود شده و هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره فقط از چیزی که واقعاً روی داده و به تمامی پدیدار شده سخن می‌گوید. (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۵-۱۴)

دنیای اسطوره دنیای ماورای طبیعی و فرا واقعی است که ریشه در واقعیت دارد و برگرفته از جهان عینی است، هرچند خارج از واقعیت شکلی تمثیلی و نمادین پیدا کرده است تا به این ترتیب بیانگر حقیقت باشد. شکل نمادین واقعیت همان است که در کتاب‌های مقدس دیده می‌شود. کتاب‌های عهد عتیق و عهد جدید (تورات و انجیل) و حتی قرآن به زبان رمزی و تمثیلی هستند که در آنها حقایق تاریخی بعد اساطیری و رمزی دارند و به حقایق ازل - ابدی تبدیل شده‌اند.

رویدادهای اسطوره‌ای همانند داستان واقعی پنداشته می‌شوند چرا که زیربنای اصلی اسطوره‌ها، پدیده‌های واقعی هستند. با آنکه اسطوره روایت کننده رویدادهای تاریخی به شمار می‌رود، مبنای ارزش گذاری اسطوره صحت و درستی تاریخ آن نیست بلکه آنچه اسطوره را ارزشمند می‌کند درون مایه تقدس گرایی، مافوق طبیعت پردازی و مضمون آفرینی، ماورای واقعیتی است که با جهان نگرانی انسان در مورد خود، جهان پیرامون و آفریدگار خود در هم می‌آمیزد از دیدگاهی اسطوره تاریخ نخستین ملتی است با هویت ملی و اصیل خاص خود این هویت با فرهنگ آن ملت در پیوند بوده و از این رو اسطوره و آیین در جامعه ابتدایی عبارت است از فرهنگ آن جامعه چون هیچ امر فکری و رفتاری نبود که از درون این مجموعه خارج باشد. تمام عمل زندگی و اندیشه انسان در این مجموعه اسطوره و آیین جای می‌گرفت. (بهار، ۱۳۷۳: ۱۹۶)

اسطوره قصه گونه‌ای است که طی توالی نسل‌های انسان در افواه نقل می‌شود و منشأ پدیده‌های طبیعت و نیز آیین‌ها و عقاید موروث را به نحوی غالباً ساده لوحانه تبیین می‌کند. اسطوره به نقش نیروهای ماورای طبیعت

در امور طبیعی و انسانی و عوامل پیدایش دگرگونی‌ها در زندگی انسان و طبیعت اشاره می‌کند. این نوع قصه‌ها چون در حد فهم و استنباط عامه مردم است، از جهتی قصه‌ی عامیانه به شمار می‌رود. اما هر قصه‌ی عامیانه‌ای، اسطوره نیست چرا که اسطوره، قصه‌ای مربوط به تبیین واقعیت‌های طبیعی از راه پیوند توهم آمیز بین آنها با نیروهای مافوق طبیعی است، از دریچه‌ای دیگر، اسطوره داستانی است بی‌نام و نشان که بیانگر عقاید بدوی بوده و به تفسیر جهان طبیعی می‌پردازد، اسطوره بازتاب نمادین ارزش‌های جمعی یک ملت و بیان مشترک و بیشتر غریزی واقعیت است. (گورین، ۱۳۷۰: ۳۲۵)

بر این اساس از دریچه‌های گوناگون، تعریف‌های گوناگونی می‌توان از اسطوره به دست داد، تعریفی که مورد پذیرش تمامی پژوهشگران اسطوره‌شناس باشد و تمامی انواع اسطوره و کارکردهای آن در همه جامعه‌های سنتی و کهن انسانی و زندگی معاصر را در برگیرد. این گوناگونی در تعریف اسطوره از یک سو به سبب گستردگی معنای اسطوره و مصداق‌های فراوان آن است و از سوی دیگر به این دلیل است که اسطوره‌شناسان با توجه به گرایش‌ها و رویکردهای گوناگون انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، باورشناسی، ساختارگرایی و ... اسطوره و کارکردهای گوناگون آنرا تعریف کرده‌اند که در این میان تعریف میرچا الیاده اسطوره‌شناس بزرگ و برجسته‌ی رومانیایی جامع‌تر و دقیق‌تر به نظر می‌رسد. (باستید، ۱۳۷۰: ۲۸)

آنان که به پیوند گسترده اسطوره و ادبیات توجه کرده‌اند بر این باور هستند که شعر از مقوله‌ی اسطوره است و از همان دنیایی سرچشمه می‌گیرد که اسطوره از آن زاده می‌شود و بین شعر و اسطوره پیوند و همسانی وجود دارد اگر از جنبه‌های اغراق‌آمیز اسطوره‌گرایان بگذریم، اسطوره در شعر موجب باروری واژه‌ها می‌شود به گونه‌ای که واژه‌ها می‌توانند جنبه‌های گسترده رازناکی اسطوره‌ها، آیین‌ها و باورهای اسطوره‌ای را بازتابانند، یکی از جنبه‌های مهم پیوند دهنده‌ی شعر و اسطوره ویژگی شاعرانه بودن اسطوره‌ها است چرا که آفرینش شعر و اسطوره عمدتاً مدیون نیروی تخیل هنرمندانه آفریننده شعر و اسطوره است. زمینه‌ی روایی و داستان‌وارگی شعر و اسطوره از دیگر جنبه‌های پیوند این دو است چرا که شعر و اسطوره با بهره گرفتن از زبانی نمادین می‌توانند با مخاطب خود ارتباط برقرار سازند همین مسأله زمینه‌ی روایی اسطوره‌ها است که موجب شده است هر اسطوره‌ای در سرشت خود شکل ادبی یابد و در چارچوب ادبیات جای گیرد، حضور اسطوره در ادبیات به